

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ژرژ هانری سوتو
برگردان و پیشگفتار از: حمید محوی
۰۹ جنوری ۲۰۲۰

ستراتژی سرشت ترکیبی

پیشگفتار مترجم :

در ادامه ترجمه نوشته های آندیوف کوریبکو و روستیلاو ایچنکو درباره جنگ ترکیبی (یا جنگ هیبرید) امروز مجله ستراتیژیک STRATEGIQUE را نیز که حرفه ئی ها و استادان غالباً نظامی فرانسه در آن قلم می زنند به فهرست کتابشناسی ام افزوده ام.

مجله ستراتیژیک شماره ۱۱۱، ماه مه ۲۰۱۶ در ۱۶ مقاله به قلم استادان و کارشناسان فن کاملاً به موضوع جنگ ترکیبی اختصاص دارد و تلاش من نیز بر این است که با وجود تعدد کارهای سنگینی که به شکل اختیاری برای خودم تعیین کرده ام، این مطالب را نیز در فرصتهای مختلف جهت ارتقاء اشراف عمومی ترجمه کنم و احتمالاً به این امید که بازتاب آن بتواند از فاجعه ای که با آن روبه رو شده ایم جلوگیری کنیم، تا روز موعودی که در افسانه ها روایت کرده اند و قول داده اند که سرانجام پیروزی در عشق و از آن عشق خواهد بود، و از این پس جهان بشریت می تواند با عبور از دوران بهیمیت، در دوران پسا بهیمیت نخستین روز بشریت حقیقتاً متمدن را آغاز کند و سرانجام به حل مشکلات بنیادی و نوعی خود نائل بیاید. زیرا نباید فراموش کنیم که انسان دست کم از دیدگاه روانی به بیماریهای متعددی مبتلا بوده و برخی از آنها از گذشته های دور و نزدیک بر جا مانده و به ما منتقل شده است. بی گمان عبور از چنین مشکلاتی به آن شکلی که برخی از روانشناسان و روانکاوان ساده اندیشانه بدان دلسبته اند صرفاً با روان درمانی به شکلی که امروز رایج است، و یا حتا اطلاع رسانی، آگاه سازی عمومی و تقسیم شناخت بین مردم، به این امید که هر یک برای مثال با حل اختلال شخصیتی سرانجام به جامعه ای سالم و سرشار از نیکبختی دست خواهیم یافت. چنین امیدی گرچه شاید صد در صد بی نتیجه نیست ولی سرانجام در پای مناسبات خشونت بار سیستمیک و در پای نظم اجتماعی بیمار به نا امیدی تبدیل می شود. در نتیجه شناخت و آگاهی ما از مسائل و مشکلات عینی جهان واقع و نوع بشر باید پیامد های عینی در عرصه نظم اجتماعی داشته باشد در غیر این صورت آگاهی در نظم کنونی وقتی ارزش خواهد داشت که قابل تبدیل به هامیگر و در راستای منافع نهایتاً مخرب یک اقلیت بسیار ناچیز در سراسر جهان باشد. نه، ما به روان درمانی فردی، مثل کار ترجمه یا پژوهشی برای اشراف جمعی صد در صد نمی توانیم امیدوار باشیم، همانگونه که نمی توانیم انقلاب کمپیوتری را که به گسترش جهان مجازی و به مناسبات بیش از پیش مجازی انجامیده باور داشته باشیم و آن را با واقعیت عینی و زندگی در جاندارترین ابعادش معاوضه کنیم.

در این بحثها جایی برای آرمان خواهی نیست بلکه این نویسنده ها به شکل عینی از جنگ و چگونگی آن حرف می زنند... با توجه به سطح تهدیدات بین المللی برای کشورهای هدف گیری شده و به ویژه برای کشور ما ایران، با قطع نظر از این که چه نوع رژیمی در ایران حکومت می کند و یا این که ما طرفدار آن هستیم یا نیستیم، و با توجه به سطح بالای خسارات انسانی که از دوران /انقلاب سبز تا بلوای اخیر که پرچم آن با علامت افزایش نرخ بنزین در ایران به اهتزاز درآمد، حداقل کاری که می توانستیم انجام دهیم ترجمه داوطلبانه در زمینه جنگ ترکیبی بود تا مگر با دستیابی به شناخت مکتوبی که استادان فن در اختیار ما گذاشته اند، دست کم اگر نتوانستیم از فاجعه جلوگیری کنیم بدانیم که این رویدادها از کجا منشأ گرفته و مانند گروه هائی چون فدائیان اقلیت گرفتار توهمات و هذیان نشویم که «لشکر کشی امریکا به افغانستان و عراق» را با «فرصت طلبی جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خود در منطقه» همراه کرده و یا تجلیات جنگ ترکیبی را ندیده گرفته و یا حتا آن را به جای قیام مردم در ایران علیه فقر و بی عدالتی تلقی کرده اند. نه این که در ایران فقر، بی عدالتی، اختلال تمدنی وجود نداشته باشد. در انترنت می توانیم درباره فرار سفید یعنی خودکشی و خود سوزی برای رهائی از وضعیتهای تحمل ناپذیر مطالب بسیاری جست و جو کنیم (گزارشات متعددی درباره خودکشی زنان ایلامی و به همین گونه مردان در ایران منتشر شده) و مردم نیز در مقابل این همه بی عدالتی (... بی آن که ابزار کار اجتماعی مناسبی برای حل مشکلاتشان داشته باشند ساکت ننشسته اند، ولی از سوی دیگر عده ای از کارشناسان در زمینه جغرافیای سیاسی و ستراتیژی به ما چیز هائی می گویند، و این چیزها را «جنگ ترکیبی» یا «جنگ هیبرید» نامیده اند. در نتیجه، با آنچه برخی گروه های سیاسی به نام قیام مردمی تعبیر می کنند باید با دقت، هوشیاری و شناخت بیشتری از رویدادهای معاصر نگاه کنیم.

با یک نگاه سریع به نشریات خاصه اپوزیسیون های بهره مند از مزایای سقوط روانی و اختلال شخصیتی یعنی برگزیده های همان نظمی که فرد بیمار روانی، مشخصاً «خودشیفته منحرف» - (به قول ماری فرانس هیری گوین روانشناس کار فرانسوی) -، مثل دونالد ترمپ را برای هدایت ابر قدرت جهان برگزیده، می بینیم که از قربانیان رویدادهای ایران به عنوان برگ برنده برای تاج و تخت خودشان استفاده می کنند، و کمتر کسی هست که بپرسد: چگونه می توانیم بی آن که از مبارزه طبقاتی و عدالتخواهی دست بکشیم از این همه خسارات جانی، تخریب و وضعیت جنگی جلوگیری کنیم؟ و یا این همه قربانی واقعاً از کجا منشأ می گیرد؟ روشن است که ساده ترین کار نشان دادن جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقصر اصلی ست، همانگونه که در مرگ ندا آقا سلطان قربانی صاحب امتیازی که بیش از قربانیان دیگر مورد توجه /انقلاب رنگی قرار گرفت و همه رژیم را متهم و محکوم کردند.

این نوشته ها شاید اندکی نسبت به نوشته های آندریوف کوریکو متفاوت به نظر رسد، زیرا «جنگ ترکیبی» را صرفاً به فن آوری های ایالات متحده و اولترا لیبرالیسم محدود نمی بیند. امیدوارم این نوشته ها با احتساب حسابی که ما در بالا برای نقش آگاهی نزد انسانها باز کردیم در پایان کار بتواند زمینه ساز تحلیل های دقیقتر و آگاهانه تر نزد تحلیل گران و خوانندگان از وضعیت کشورمان باشد.

حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۸ جنوری ۲۰۲۰

شماره ۱۱۱ مجله ستراتژی می ۲۰۱۶ به مدیریت جوزف هانروت^۲ این موضوع را در همه وجوه آن مورد بررسی و تحلیل قرار داده و روشنگر یک سری از مسائل مهم و ضروری مربوط به مفهوم جنگ ترکیبی است. سرشت [جنگ] ترکیبی به همان اندازه قدیمی است که خود جنگ. اصل اساسی ضربه زدن به دشمن است، و هر وسیله ای سزاوار خواهد بود، از اسب تروآ تا ابزارهای تبلیغات مذهبی یا ایدئولوژیک، و تا قیام اقلیتها در کشور دشمن. ولی انکار ناپذیر این است که ستراتژی کلاسیک اروپائی از دوران فردریک دوم (۱۲۵۰-۱۲۲۰) تا جنگ جهانی دوم اساساً ستراتژی مبنی بر جنگ منظم و رو در روئی مستقیم بوده است. بازی شطرنجی که طی آن هر دو بازیکن رو در روی یک دیگر می کوشند تا حرکت بعدی حریف خود را پیشبینی و او را مات کنند (شمار مهره های گرفته شده اهمیت ثانوی دارد). اروپای ستراتژی بزرگ کلاسیک فراتر از چیزی به نام جنگ فرعی یا «جنگ کوچک» برای درک سرشت ترکیبی (یا ترکیبیت) دچار مشکل بود. وقتی مولتک^۳ پس از سدان^۴ سروکارش به «دفاع ملی» افتاد تا گامبتا^۵ و تا «فران تیرور»^۶، خیلی کمتر از گذشته از عهده برمی آید. وقتی تروتسکی در فبروری ۱۹۱۸ در آغاز مذاکرات برست لیتوفسک به جنرال هوفمن^۷ فرمانده اوبروست^۸ اعلام کرد که شوروی به شکل یک جانبه وضعیت «نه جنگ نه صلح» را اعلام می کند، یعنی آنچه که در عین حال تعریف خوبی از تعاریف و معانی جنگ ترکیبی (هیبریدیت) است، هوفمن نتوانست شگفت زده نشود و فریاد کشید: «! unerört ! unerört» (بی وجدان! بی وجدان!). چیزی که با وجود این مانع ارتش آلمان برای از سرگیری حمله، تصرف کامل اوکراین و دستیابی به قفقاز نخواهد شد تا این که معاهده برست لیتوفسک به این میدان عمل رویارویی مستقیم پایان دهد. در تمدن آسیایی که ستراتژی ژنتیک به بازی گو^۹ بستگی دارد، که عبارت است از به آرامی خفه کردن دشمن، سرشت ترکیبی [جنگ] را بهتر درک می کنند: همانند «مبارزه و مذاکره» نزد هو شی مینه^{۱۰} (داخل پرانتز، او فقط زیر فشار بسیار زیاد شورویها در سال ۱۹۵۴ مذاکره با فرانسویها را پذیرفت، و در سال ۱۹۷۲ زیر موج بمباران فوق العاده خشونتبار امریکائی ها که حمله به خاک دیوارهای دلتای تونکین را آغاز کرده بودند حاضر به مذاکره شد.)

¹ Georges-Henri SOUTOU

² Joseph Henrotin

³ Helmuth Johann Ludwig, comte von Moltek

مترجم: متولد گرسدورف در مکلمبورگ ۲۵ مه ۱۸۴۸، او در برلین ۱۸ جون ۱۹۱۶ چشم از جهان فرو بست، یک جنرال پروسی بود. او در مرکز فرماندهی بزرگ ارتش آلمان بین اسلهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۴ خدمت کرد و در دوران جنگ جهانی اول در ۶ هفته اول عهده دار فرماندهی بود. (منبع ویکیپدیا به زبان فرانسه)

⁴ Sedan

⁵ Léon Gambetta

مترجم: ۲ اپریل ۱۸۳۸ در کاهورس Cahors و در ۳۱ دسمبر ۱۸۸۲ در سور Sèvre در گذشت، مرد سیاسی فرانسوی جمهوری خواه. عضو دولت دفاع ملی در سال ۱۸۷۰

⁶ Franc-tireur

مترجم: مبارزان نامنظمی که به موازات ارتش منظم عمل می کنند

⁷ Hoffmann

⁸ Oberost

⁹ Go

¹⁰ Ho Chi Menh

در نتیجه سرشت [جنگ] ترکیبی شاید به آن اندازه مفهوم ارزشمند و تعالی یابنده ای نیست که امروز برخی تمایلات ادعا می کنند: آن را به کار می برند یا نمی برند، به وضعیت بستگی دارد. همانگونه که شاهزاده لین^{۱۱} در قرن هجدهم نوشته است: «موقعیت امکانات را تغییر می دهد».

توفیق کنونی این مفهوم [یعنی مفهوم جنگ ترکیبی] از دیدگاه من از سه عامل منشأ می گیرد. ابتداء، پس از توفیق برق آسا ولی ناپایدار «Infocentric Warfare» اطلاعات محوری جنگ که ایالات متحده در افغانستان سال ۲۰۰۱ و در عراق سال ۲۰۰۳ به کار برد ناامیدی هائی به همراه داشت. می بایستی نظریه ای جست و جو می کردند که در عین حال واقعیات و شماری از منافع و دیدگاه های نوعی در جهان وسیع دفاع امریکائی، به انضمام سرویس های اطلاعاتی و صنایع را به حساب بیاورد. ترکیبی (هیبریدیت) در تناسب تمایلات قرار گرفت و سعی کردند آن را به واقعیت بچسبانند.

سپس بازگشت روسیه به صحنه ستراتیژیک (روسیه ای که همیشه جنگ ترکیبی را علیه ناپلئون و هیتلر، و در جنگ سرد به کار برده است) پرسشهای کاملاً عینی برای غربیها مطرح می کرد. چگونه پاسخ بگوئیم؟ از همه بیشتر مسأله برای اتحادیه آتلانتیک پیش از همه سیاسی ست: یعنی با توجه به اوکراین، کشوری که در مورد آن هیچ اجبار حقوقی وجود ندارد ولی در عین حال از سوی برخی از اعضای اتحادیه (پولند، کشورهای بالتیک، و تا حدودی المان و البته ایالات متحده در جایگاه مسأله ای حیاتی برای تعادل اروپا) مطرح بوده و ترکیبیت یا کاربست جنگ ترکیبی اجازه می دهد تا نوعی پاسخ برای حداقل اجماعی به وجود بیاورند: مانند اعلام تحریم علیه روسیه، بریگاد خودروی زرهی اینجا و یا گشت زنی های دائمی قطعات در آنجا، کمک از هر نوع به دولت کی یف، بی آن که فعالیت سازمانهای غیر دولتی را به حساب بیاوریم. حتماً اگر برنامه سیاسی ستراتیژیک روشنی از آن به دست نمی دهد و یا بروشنی بیان نمی کند.

ولی بی گمان بهترین توجیه مفهوم جنگ ترکیبی حاصل تحولات خود نظام بین المللی ست: نظام بین المللی دیگر مشابه سال ۱۹۹۰ نیست و شامل دولتهائی می شود که حاکمیت واقعی آنها از جنبه های مختلف تقلیل یافته، «دولتهای ورشکسته»، دولتهای در حال تکوین مانند دولت اسلامی، جوامع فراملی، مافیایها از هر نوع، سازمان های بین المللی که با اتکاء به چندین سازمان غیر دولتی حقوق بین المللی بیش از پیش فراملی را به پیش می برند. از این پس ما با نظام بین المللی بیش از پیش پیچیده و مبهم سروکار داریم و به همین علت ستراتیژیهای که مناسب این وضعیت است به نحوی خاص نمی تواند چیز دیگری به جز ترکیبی باشد. ولی این جریان پی آمدهائی دارد، به انضمام مفهوم وضعیت جنگ دائمی و تداوم امنیت-دفاع که رو در رو به آن نگرستن برای دموکراسی کار ساده ای نیست.

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۸ جنوری ۲۰۲۰

¹¹ Charles-Joseph Lamoral, Prince de Ligne

مترجم: پرنس دو لین در بروکسل ۱۲ مه ۱۷۵۵ به دنیا آمد و در وین ۱۳ دسامبر ۱۸۱۴ چشم از جهان فرو بست، مارشال ارتش های امپراتوری، دیپلمات در خدمت امپراتور و مرد ادبیات در بلجیم اتریشی بوده است.